

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

احمدشاه وردگ - کابل-افغانستان

۱۱/۰۱/۱۶

بادرود و سلام به گردانندگان پورتال "افغانستان آزاد- آزاد افغانستان" و همه هموطنانم در گوشه و کنار جهان
چه خوب گفته شاعری از سرزمین آزدگان! ::

بامدعی مگوئید اسرار عشق و مستی بگذار تا بمیرد در رنج خود پرستی

در پشتو مثلی داریم که میگویند:

بی علمه چی شیخی کا، همداکفر یی بس دی؟؟

نمیخواهم خود را شیخ ساخته و گناهی را مرتکب شوم و به نوشته های آقای "آزادل." از تفسیر دین و کتاب الهی صحبت نمایم چون عالم دین نیستم و به گفته نعیمی صاحب مرابه "اسفل السافلین" روان نکند، و این کار را میگذارم به دیگر هموطنان متدین که درباره علوم دینی چون تفسیر، فقه، صرف و نحو دست رسا داشته باشند و تفسیر آیات قرآنی و مسایل شیطان و ملائکه را برای آقایان واضح سازند و خودم.

میپردازم به جنبه اجتماعی و سیاسی نوشته :

خرافات مقدس؟ بحث در مورد انسان، خداوند، پیامبران و جهان در کل مورد علاقه ماست ولی بحث باید مستدل باشد و توهمین و تجاوز را در بر نداشته باشد. و قتی که خود "آزاد ل." به آن نام مقدس میدهد پس باید متوجه باشند که با احساسات و عقیده مردم سروکار دارد و طوری به موضوع داخل شود که بتواند ذهن خواننده را جلب کرده باشد و بعدا به ابعاد مسأله بپردازد و نظریات خود را ارایه نماید. آقای "آزاد ل." در نوشتارهای خود دلایل وجود خداوند و یا رد آنرا ارایه نکرده و راسا بالای ملیون ها انسان معتقد تاخته و خدایرا که آنها همه روزه پنج وقت به آن سجده مینهند آنرا هوش پرک و عاجز خطاب کرده و آنرا به پیره زنی تشبیه کرده؟ چه یک تحلیل فلسفی و علمی؟ و بعدا ما را دانشمند و خود را بیدانش (مطلبش بر عکس) خوانده و فرموده :

چه کنم همین قسم پیدا شدم. و اگر عمیق فکر نمایند همین گفته خودش کفایت میکند به جوابشان یعنی ایشان اعتراف میکنند که مخلوق هستند. من در نوشته قبلی خود ذکر کردم که بحث در مورد پیدایش و موجودیت و عدم انسان (مبدأ و معاد) از مسایل بسیار عمیق علمی- فلسفی است که هزاران سال است انسان به تحلیل و تجزیه آن پرداخته است. از تمدن آریانا، یونان، مصر، چین، فارس، بغداد، بلخ و هند گرفته تا امروز صدها هزار کتب در زمینه نوشته شده است و نمیشود به تحریف نمودن و یا غلط تفسیر کردن یک سوره از کلام الله دلیل و برهان خود را ارایه داشت. باز هم میگویم که اینکار آقای "آزاد ل." و نشرات پورتال محترم (در این مورد) کدام دردی را دوا نمی کند به غیر از بسته

کردن چند مکتب بر روی اطفال ما در افغانستان. این کلمات درشت و توهین آمیز و بدون ادله منطقی، شمشیر تیزی به دست جاهلان دینی داده چند مکتب دیگری راطعه حریق ساخته و نوشته ایشانرا به رخ تعلیم یافتگان ما میکشد و اولاد مارا از مکتب باز میدارد. در اکثر سایت ها بخش های ایدیولوژیک وجود دارند کتاب های مارکس، لنین، مائو، زردشت، بودا و کتب اسلامی وجود دارد و علاقمندان میتوانند آنرا مطالعه نموده و نظرات خویشرا ارایه دارند، نه تحقیر نامه که در صدر اخبار روز قرار داشته باشد. راجع به موضوعی که دوستان مطرح کرده میخواهم یادآوری نمایم که ..

تمدن های بشری از بدو پیدایش خود به محور عقیده و ایمان استوار بوده: مثال های روشن از فرعون گرفته تا تمدن یونان و رم و هند چین و مدینه و بغداد و بلخ و هرات. دین و ایمان و عشق و محبت به پروردگار رول لوکوموتیف را در پیشرفت جامعه بشری ایفاء نموده است اگر عقیده و ایمان نبود آثاری از اهرام مصر و دیوار چین و بودای شکسته بامیان و عبادات و عجایب دیگری نمی بود. اگر شما میگوید که دین ابزاری در دست استعمار بود؟ بلی و قیتکه دین از راه اصل خود منحرف گردیده صفت یک ابزار در خدمت استعمار قرار گرفت همین قسم دیگر فلسفه ها و جهانی بینی ها بالاخره فلسفه مارکس و لنین هم در خدمت سوسیال امپریالیسم قرار گرفت و چقدر خلق ها را مورد استثمار قرار داد. دین مبین اسلام بزرگترین انقلاب را در زندگی بشریت به میان آورد و بلال و سلمان و عمر در یک صف قرار گرفتند و صاحب حقوق یکسان گردیدند. دختران را از زنده به گور کردن نجات داد، با تضمین حقوق فقرا و زکات و عشر و اعانه را فرض گردانید و آنرا از بزرگترین عبادات قبول کرد و صفحه جدیدی در تاریخ بشریت باز نمود، بلی یک یتیم بچه برخاست و امپراتوری های بزرگ دنیا را توسط قبایل بسیار بدوی ملبس با سلاح ایمان و عقیده، به زانو درآورد

(نگار من که به مکتب نرفت و خط نوشت به غمزه مسأله آموز صد مدرس شد)

اینکه امروز وطن ما تحت نام دین در آتش میسوزد، عیبی از دین نیست بلکه عیب در مسلمانی ماست و این هم عکس العمل مردم علیه دهریت و بی خدائی است که اماتوران فلسفه مارکس و لنین به ارمغان آورد، ورنه ملا و طالب ۱۴۰۰ سال در وطن ما موجود بود ولی افراطی نبود، ضد تعلیم و مکتب نبود. این نادانی مارکسیست ها و افراط چپی بود که نادان های دینی و افراط راستی را زانید و مارا به این روز مبتلا کرد. کدام جای قرآن گفته که انسان ظلم کند؟ حق دیگران را بخورد؟ بد گوئی کسی را کند و یا کسی را بکشد؟ آیا دوست ما از عدالت خلفای اسلام چیزی خوانده و یا آنرا هم خرافات و عرب پرستی مینامند؟ دین اسلام پیروان خویش را در مقابل استعمار و ظلم به جهاد امر فرموده و آنرا از عالیترین عبادات شمرده که جهاد مقدس مردم ما علیه مروجین مارکسیزم و لننیزم نمونه بارز آن میباشد.

و امروز هم فرزندان کشور و همین مردمی که از دین خود نمیدانند؟ (به گفته دوست ماتریالیست ما) به مانند دژ استوار علیه امپریالیسم با تمام تکنالوژی اش ایستاده و با جان فشانی های خود اوراق تاریخ مارا گلگون میسازد. آنها از اسلام آموختند که حراست و حفاظت از وطن فرض است. نه مارکس برایشان گفته و نه انگلس و داروین و دیگران. مادر بیوه بیسوادش برایش گفته، از پیغمبر برایش گفته از پدر و واحد و خیبر و میوند و جگدک و هرات و کندهار و کنر و پنجشیر و کاپیسا برایش گفته. اسلام هیچ وقت به صبر علیه ظلم و استبداد امر نکرده و نه مردم را به بردگی کشانده است، بلکه صبر را به مثابه ثابت قدمی، مستحکم بودن و مقاوم بودن در مقابل ناملایمات روزگار دانسته و آنرا باختن نیروی خود توصیه نموده است ..

آقای "آزاد ل." آنقدر شیفته غیر مسلمین است که تمدن امروزی را هم دستمزد غربی ها می شمارد، ولی غافل از اینکه تمدن امروز هزاران سال پیش از غرب زایده شده و زندگی غربی از ۳۰۰ سال سابقه بیشتر ندارد، تمدن بشری توسط اقوام و ملل مختلف پرورده شده انکشاف یافته از یونان به مصر از آنجا به بغداد و بلخ و غزنی آورده شده و تابه شکل امروزی اش که فجیع ترین شکل آن است (از نگاه انسانی) رسیده است چرا که به دست مردمان بی عقیده و بی بند بار افتیده لاجدایان کازینوها (فرضا اگر تمدن امروزی حتی به دست ادیان غیر الهی (هندو و بودا) میبود هم شکل بهتری میداشت و مثل ابو غریت و بگرام لکه های ننگین بالایش نمیبود).

بلی آقای "آزاد ل."! وقتی که اجداد بوش و بلیر و مارکس و دیگران در مغاره ها به طور وحشی زندگی میکردند مسلمانان و خاصا مسلمانان دیار دوست داشتی ما در اوج تمدن قرار داشتند و حدیقه میافریدند، مثنوی، شاهنامه و هزاران اثر می نوشتند، به مردم زندگی کردن یاد دادند و طبابت میکردند؟ آنوقت چرا هر عالم قبل از همه یک عالم اسلام بود؟ آیا آقای "آزاد ل." راجع به فلسفه مولانای بلخ، بیدل، اقبال و حافظ و سعدی و رحمان بابا آشنائی دارند؟ آنها علمای دین بودند و پیام حقیقی دین را به مردم خود رساندند. به مردم خود از خدا و پیامبرش گفتند؟ از نیکی ها گفتند، قصه های خیالی نبود بلکه پیام آزادی و انسانیت و نوع پرستی و ترقی و تعالی بود؟

دوست ما آقای نعیمی که استاد مکتب استند، آیا میتوانند کلمات آقای "آزاد ل." را به شاگردان خود تدریس نمایند؟ میتوانند بگویند که خدائی که از ۱۴۰۰ سال بدین سو می پرستید، عاجز است؟ و به پیره زنی می ماند؟ نه هرگز نه؟ چرا اولاد وطن به هیچ کسی اجازه نخواهد داد تا بامقدمات شان بازی صورت گیرد و انتقام یزدگرد را از ما بگیرد. ما به انسان احترام داریم. اگر مسلمان باشد و یا هندو یا عیسوی و یهودی و یا اتنیست. تاجائیکه به دین ما نتازند ما به آنها نمی تازیم ولی به بت سجده نمی کنیم و احترام به هندو سجده به بت نیست؟ و امروز جای بت شکستن نمانده، انسان عاقل شده و خود معبود حقیقی خود را پیدا میکنند و بت ها را به موزیم میسپارند (و به حالی کسانیکه فاعشیناهم فهم لایبصرون هستند)، نعیمی صاحب مرا به گلبدین نسبت داده ولی از رحمة... علیه یادی نکردند چرا؟؟؟ از بابا و استاد و حاجی و یا مارشال و دیگران؟؟؟ خدا کند که خودشان هم منسوب به آنها نباشد و یا لاقول زیر سایه شان زندگی کرده باشند و تابع احسانات شان نباشند.

اگر سیاست ایدئولوژیک پورتال ایجاب میکند که مسایل عقیدتی را نشر نماید خوب است باید جامع باشد، فلسفی باشد، قانع کننده باشد، معبود ما را پیره زن عاجز خواند، کتابیکه صدها سال مشعل زندگی ملیون ها انسان بوده نباید گنگ و جامد خوانده شود؟ قسم خوردن خداوند به زیتون و غیره تفسیر چند کتابه می خواهد. قصه های سلیمان و داوود هم کسی خلافتش را ثابت نکرده و ثبوت های عظمت ایشان کشف شدند، و دارای مفاهیم بلند انسانی و آزادی است که جناب عطار نیشاپوری هم از آن منطق الطیر ساخته است و پیام انساندوستانه و آزادی منش خود را در آن پنهان نموده است. ولی با چند سطر دشنام دادن راجع به مسایلی که بیش از پنج هزار سال بالایش بحث صورت گرفته، از سقراط و افلاطون گرفته تا ابن خلدون و غزالی و سبنا مارکس و انگلس و فیورباخ و دیگران ده ها و صد ها کتب نوشتند و به بشر ارایه کردند که تا امروز پیروان و مخالفان خود را دارند. نباید بخش های مثر پورتال زیر سایه توهین نامه به مقدسات، گرفته شود؟ پیام آزادی سایت، فراخوان به مبارزه علیه اشغال، محکوم کردن جنایت چپی و راستی و اشعار نعمت مختارزاده و اسیر و دیگران از نکات خوب سایت است و در مسایل روزمره واقعیت ها را منعکس میسازد. اگر از دوست ما پرسیده شود که نوشته توهین آمیز شما به دست دشمنان وطن بیفتد و آنرا به مردم ما بخواند؟ کی درده و دیار ما حاضر خواهد شد که اولاد خود را به مکتب روان کند و با سواد شود؟ حال شما به استعمار زیاد خدمت نموده اید و یا ملاهای لنگی دار؟ و از طرفی لنگی شرف و حیثیت ماست، پدران ما به شمول پدر دوست

ما، لنگی بسته میکرد؟ و اگر چنین نیست بفرمایند؟ مابه لنگی میبایم و میخواهیم که همیشه با آن مفتخر باشیم و از خدا میخواهیم که هیچ وقت لنگی را از سر ما دور نسازد ولی تزویر و ریا و بیگانه پرستی را که به شکل طومار نامرئی در سر بعضی ها وجود دارد، دور نماید.

بلی آقای دوست ما، ولی نعمت های غربی خود را تیرزن خطاب کرده و مار تیر آور؟ نه آقای دوست! ما خود ماتیرزن هستیم از پدر و پدرکلان، تیر ولی نعمت های تان در این سرزمین عقیده و ایمان و خاک اولیاء، به خاک خورده و تیر آوران هم ما نه، بلکه بیگانه پرستان خودستیزیها بهتر بگویم شرق زدگان غرب پرست هستند، ما سپری در مقابل دهریت و اشغال هستیم و به امید رسیدن به مقام والای شهادت زندگی مینمایم، آن هم نه به خاطر حور و عسل و شراب و سوسیال هیلفه؟ بلکه به خاطر خوشنودی پرودگار خویش، به خاطر سعادت و سربلندی مردخم خویش با تقدیم احترامات فراوان

یادداشت:

با تقدیم احترامات فایقه خدمت، همکار گرامی آقای ما "وردک"، باید خدمت شان بنگاریم:

۱- همان طوری که خود مشاهده می نمائید مطلب ارسالی تان را به غیر از مواردی چند که ویراستاری آن الزام آور بود بدون کم و کاست به نشر رسانیدیم. آنچه ما از آغاز بر آن پا فشرده ایم و هنوز هم بر آن ایستادگی داریم، در یک فضای دموکراتیک و مساویانه، به دور از هر نوع اهانت و توهین به این و یا آن فرد، انتقاد از محتوای فکری یک دین و یا یک مکتب فکری را دامن زدن است.

ما معتقدیم که هرگاه نیروهای متعهد و رسالت مند جامعه در گام نخست قادر شوند با دامن زدن به همچو بحث هائی به سوالات و یا انتقادات همدیگر پاسخ ارایه دارند، با اطمینان می توان گفت که در طی زمان مردم نیز از عصبیت و برخورد های جاهلانه دور شده قادر خواهند شد معضلات شان را با ارایه دلیل و برهان حل و تمام نیروی شان را به خاطر نابودی دشمنان میهن جمع نمایند.

۲- از این که عملکرد آزادیخواهانه و ضد اشغالگران پورتال را مورد تأیید قرار داده اید یک جهان ممنون. ما این موضع گیری و پیکار به خاطر تحقق آنرا همان قدر که برخاسته از درک رسالت فردی متصدیان پورتال می دانیم به همان اندازه خویش را مرهون فرد فرد مردم دلیر و زنجیر گسل این مرز و بوم دانسته، بر این باور مندیم که اصل "به یک گل بهار نمی شود" در اینجا هم صدق می نماید. لذا صمیمانه از تمام هموطنان خویش می خواهیم تا به خاطر رسیدن به "بهار آزادی" دست در دست همدیگر گذاشته به دشمنان میهن اعم از اشغالگران و مزدوران آنها، باند های سیاه و جنایتکار طالبی و شرکایش همان درسی را بدهند که روسها، انگلیسها و سایر متجاوزان در زمانش داده اند.

۳- اینکه در مورد سیاست نشراتی پورتال در بخش اپیدئولوژیک تأیید تان را مشروط به "جامع باشد، فلسفی باشد، قانع کننده باشد،..." ما هم آرزومند آنیم که به همان درجه از تکامل برسیم تا نوشته ها همان باری را داشته باشند که خاطر دوست عزیز چو شما را نیز راضی ساخته بتواند. اما تا آن زمان چه؟

با در نظر داشت آنکه "از کوزه همان تراود که در اوست" سطح جامعه ما و همکاری قلم به دستان ما در همین سطحی است که تقدیم میگردد. آیا می توان به خود حق داد که در غیاب فلیسوفانی از سنخ "ملا صدرا"، "آلبرت انشتاین" و دیگران، دهن دیگران باید "پوزبند" زده شود؟ مگر نه این است که در قاموس طبیعت در هیچ زمان و

هیچ محلی، چیزی در حد کمال نرسیده مگر این که پروسه طبیعی رشد خود را باید طی نموده باشد؟ چرا باید به ارتباط بحث های اعتقادی چنان بیندیشیم که این اصل مراعات نگردد و گناه آنرا هم بگذاریم بر دوش مردم. دوست عزیز!

یکی از بزرگترین خصوصیت های مردم افغانستان در طول تاریخ تحمل اعتقادی آنها بوده است، ضرب المثل های "بز از پای خود آویزان است گوسپند از پای خود" و "یا عیسی به دین خود موسی به دین خود" و یا ده های دیگر از همین منوال، نه تنها گواه نیست آشکار در اثبات ادعای ما بلکه باید به مثابه تجربه مثبت مردم به دیده قدر نگریسته شده و بر آن تکیه نمود.

حالت فعلی که شما نیز به درستی آنرا مولود جنایات و خیانت های به اصطلاح حزب دموکراتیک خلق دانسته اید و در واقع آنها با جنایات شان از یک جانب و دشمنان آزادی میهن ما در وجود منادیان اسلام سیاسی که از جیب پاکستان، ایران، ارتجاع منطقه و مجموع بلوک ناتو معاش می گرفتند از سوی دیگر، به گفته یک تن از داکتران روانشناس افغانستان "هیستری مذهبی" را باعث گردید، این "هیستری" فقط زمانی می تواند جایش را به درست اندیشیدن، و پا گذاشتن بر آن خالی نماید که بدون هراس اما با تعقیب یک روش درست درب مفاهمه را بر روی مردم بکشائیم. ما مطمئنیم به هر پیمانه ای که در انجام این مأمول غفلت و کوتاهی صورت گیرد به همان اندازه بر دوام آن "هیستری" افزوده خواهد شد. به همین اساس باز هم از تمام هموطنان قلم به دست و آگاه خود صمیمانه توقع داریم تا بدون هراس از این تیکه دار و یا آن تیکه دار طالب پرست و در اصل نوکر دیرین استعمار، با شرکت در این بحث ها به غنای آن افزوده همان طوری که همکار ما گرامی ما آقای وردک نیز خواسته اند بر بار فلسفی آن بیفزایند.

کسانی که نمی خواهند این مباحث ادامه یابد اگر چنین خواستی از حمق ذاتی آنها برنخاسته باشد باید در عقب آن خواست دستان بیگانگان و نیت سوء دشمنان میهن پنهان باشد.

با کمال محبت

اداره پورتال AA-AA